

روی موج کوتاه

بقایای بارود محکومیت ادعای دوباره امارات:

جزایر سه گانه قلمروز سرزمینی ایران هستند

سخت‌گویی وزارت امور خارجه ضمن اظهار تأسف از اصرار امارات بر بهر به‌داری سوء از حضور هر هیات دیپلماتیک در این کشور جهت طرح ادعای ارضی علیه ایران، تکرار ادعای بی‌اساس و نادرست در مورد جزایر ایرانی ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک در بیانیه پائلی سفروزر امور خارجه چین به امارات ر امحکوم کرد.
اسماعیل بقائی «تأکید کرد: جزایر ایرانی ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک بخش‌های جدایی‌ناپذیر از قلمرو سرزمینی ایران هستندو هر گونه ادعای ارضی نسبت به آنها آشکارا باصل احترام به تمامیت سرزمینی کشورهاو حسن همجواری مغایر است. یادآور می‌شود «وانگ بی» وزیر امور خارجه چین و عضو دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست، در چارچوب سفرهای منطقه‌ای خود در امارات متحده عربی حاضر شدو با مقامات این کشور دیدارو گفت‌وگو کرد. در بیانیه پائلی این دیدار هامارات با دیگر ادعاهای خود درباره جزایر سه گانه ایرانی را تکرار کرده‌است.

□□□

حمایت چین از مواضع امارات؛

جزایر ایرانی قابل مذاکره هستند!

«وانگ یی» وزیر امور خارجه چین و عضو دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست، در سفر به امارات، حمایت خود را از تلاش‌های امارات متحده عربی برای دستیابی به راه‌حلی مسالمت‌آمیز درباره اختلاف بر سر سه جزیره تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی از طریق مذاکرات دوجانبه و مطابق با قواعد حقوق بین‌الملل، از جمله منشور سازمان ملل متحد، اعلام کرد. طرف چینی همچنین حمایت قاطع خود را از امارات متحده عربی در حفظ حاکمیت، استقلال و تمامیت‌ارضی این کشور اعلام کرد.

□□□

ولایتی در دیدار با سفیر ارمنستان در تهران:
ایران با طرح «ترامپ» درباره قفقاز کاملاً مخالف است

مشاور رهبری در دیدار گرگور هاکوپیان، سفیر ارمنستان در تهران، به‌طرح موسوم به «ترامپ» در قفقاز اشاره و تأکید کرد: این طرح هیچ تفاوتی با «دالان زنگرور» نداردو جمهوری اسلامی ایران به‌طور قطعی با آن مخالف‌است. علی‌اکبر ولایتی، با تأکید بر روابط تاریخی و ریشه‌دار ایران و ارمنستان، خواستار گسترش و تعمیق این روابط شد و گفت: ایران از همان ابتدای مطرح‌شدن طرح دالان زنگرور، به‌دلیل مخالفت با هر گونه تغییر در مرزهاو تحولات تهدیدکننده امنیت پیرامونی کشور، در برابر آن ایستاد. سفیر ارمنستان نیز در این دیدار، روابط دو کشور را بسیار مهم و راهبردی توصیف کرد و توسعه روابط با ایران را از اولویت‌های اصلی سیاست خارجی ارمنستان برشمرد.

□□□

واکنش رسمی ایران به نتیجه انتخابات شیلی؛ علاقمند به استمرار از روابط هستیم
سخنگوی وزارت امور خارجه باشار به نتیجه انتخابات شیلی نوشت: ما علاقمند به استمرار روابط دوستانه با شیلی و تعمیق پیوندهای دو ملت بر مبنای احترام متقابل و منافع مشترک هستیم. اسماعیل بقایی با اشاره به نت انتخابات ریاست جمهوری شیلی در مطلبی در شبکه اجتماعی آپکس نوشت: بر گزاری موفق انتخابات ریاست جمهوری در شیلی را تبریک می‌گوییم و برای دولت جدید از روی موفقیت داریم.

□□□

قادری:

تیم اقتصادی دولت باید ترمیم شود

نایب رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس، با انتقاد شدید از عملکرد اقتصادی دولت‌رئان، گفت: «وضعیت اقتصادی کشور به‌هم ریخته‌است و با حرکات لا پشتی نمی‌توان اتفاق خاصی رقم زد. دولت باید در اسرع وقت تیم اقتصادی خود را ترمیم کند.» به گزارش سایت دیده‌بان ایران، جعفر قادری، با اشاره به افزایش نرخ طلا و ارز و انفعال تیم اقتصادی دولت، گفت: «دولت و بانک مرکزی در نامه خاصی برای کنترل نوسانات ارزی ندادند و این موضوع باعث شده که مردم نگران حفظ قدرت خرید و ارزش پول خود باشند و به همین دلیل به سمت خرید ارز و سکه بروند.» وی افزود: «برای حفظ قدرت خرید مردم با امکان انتشار اوراق مریحه‌اثر، به‌مبادله فراهم شود، اما متأسفانه این اقدام بی‌فایده است. دولت و بانک مرکزی انجام نمی‌شود.» قادری تصریح کرد که جلسه‌ای باتیم اقتصادی دولت برای بررسی مسائل معیشتی و اقتصادی برگزار خواهد شد.

□□□

هشدار بی سابقه مقام اسرائیلی: ایران می‌تواند با یک کلیک اسرائیل را فلج کند

نشر به آمریکایی فوربز نوشت: مدیر کل اداره ملی سایبری اسرائیل در کنفرانسی در تل آویو پیش‌بینی نگران‌کننده‌ای را مطرح کرد و گفت: «با یک کلیک ممکن است: آن هم فروپاشی‌هم» به نوشته فوربز، هشدار سرر تپ «یوسی کارادی» در خصوص روش‌های حمله و نفوذ این بود که ظرف شش ماه گذشته علیه اسرائیل به کار بسته‌است. او همچنین خطاب به حضار گفت جهان اکنون در حال رفتن به سمت «تخستین جنگ سایبری» است؛ بی آنکه حتی گلوله‌ای شلیک شود و یک کشور می‌تواند منحصراً از طریق فضای سایبری هدف حمله قرار گیرد و سامانه‌های حیاتی اش فلج شوند و محاصره دیجیتال ایجاد شود.

□□□

توصیه نماینده اصولگرای مجلس به «مردم ستم‌پذیر آمریکا»!

نماینده اصولگرای مجلس، به مردم آمریکا توصیه کرد که به شاهنشاهی ترامپ پایان دهند. مجتبی‌زاعی، در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی آپکس نوشت: «ای مردم ستم‌پذیر آمریکا! شاهان ۳ نفر از فرزندان شما را در سوریه به کشتن داد؛ ممکن است هزاران سرباز تان را در ونزوئلا به کشتن دهد.او خشم آسیا را برانگیخته است شاه ممکن است خاطر و تلخ ویتنام را برای تان تکرار کند. شاهنشاهی را به جمهوری برگردانید»

□□□

موساد:

اثر انگشتی در واقعه سیدنی پیدا نکردیم، پس کار ایران است!

ایرنا نوشت: موساد در خصوص واقعه سیدنی یک بیانیه عجیب صادر کرد و طی آن مدعی شد: چون این اقدام، بدون اثر انگشت انجام نشده، پس کار ایران است. این در حالی است که پلیس اسرائیل گزارش داده، پرچم داعش را در خودروی عاملان این جنایت پیدا کرده است، علاوه بر این سازمان سازمان اطلاعات امنیتی این کشور، پیش تر «ویداکرم» یکی از مجریان این اقدام تروریستی را به دلیل ارتباطات نزدیک و مشکوک با داعش، تحت نظر گرفته بود.

وقتی ریا ل نفس نفس می‌زند و طلا و دلار در سایه سکوتی مرگبار ترکتازی می‌کنند؛

سقوط پول ملی در چاه سیاست وامانده و منفعل



نپال فرخی

برای شهروندان ایرانی حالا دیگر صبح‌ها فقط با صدای زنگ ساعت شروع نمی‌شود؛ بلکه بانگ‌های هراس‌نا به تابلوی قیمت دلار آغاز می‌شود. عددی که هر روز بالاتر می‌رود، بی‌ای که توضیحی داده شود یا کسی مسئولیتش را بپذیرد.

برای بسیاری از شهروندان، دلار دیگر یک شاخص اقتصادی نیست، متر سنجش اضطراب است. عددی که هر افزایش آن، یعنی کوچک‌تر شدن سفره، عقب‌نشینی یک رویا، تعویق یک تصمیم، و فرسایش ندرتِ چینی امید. در این میان، رِیال آرام‌وی صدارزشش را از دست می‌دهد و مردمی که حقوقشان ریالی است، هر روز فقیرتر می‌شوند؛ بی‌ای که بدانند این سقوط دقیقاً محصول کدام تصمیم، کدام بی‌تصمیمی یا کدام قایت سیاسی است؟

دلار از کانال ۱۳۰ هزار تومان عبور کرده؛ عددی که تا همین یک سال پیش، حتی گفتنش هم اغراق‌آمیز به نظر می‌رسید اما شگفت‌انگیزتر از خود عدد، سکوتی است که اطرافش را گرفته است. نه صف‌های طولانی مقابل صرافی‌ها، نه آه اطلاعیه‌های فوری، نه جلسات علنی مجلس، نه نطق‌های آتشین. گویی افزایش قیمت ارز، دیگر نه بحران که به یک وضعیت عادی تبدیل شده است؛ عادی‌تلخ که سیاستمداران ترجیح داده‌اند آن را نبینند.

در این سکوت، تنها صدایی که به‌طور معنادار در روزهای اخیر شنیده‌شده، صدای رئیس قوه قضاییه بود. غلامحسین محسنی‌ا‌ه‌ای، در فاصله تنها هفت روز، دوبار درباره نوسانات بازار ارز هشدار داد؛ هشداری که بیش از آن که اقتصادی باشد، سیاسی بود. او صریح گفت مسئله ارز را «رها نکنید و به بیش از آن که اقتصادی باشد، سیاسی بود. به‌نگارشید». جملهای که بیشتر شبیه تذکر به نهادهایی بود که انگار تصمیم گرفته‌اند چشمشان را بر واقعیت ببندند.

گفت و گو

رود قوه قضاییه: نشانه بحران یا علامت خلأسیاست؟

۱۷ آذر ماه رئیس قوه قضاییه در نشست شورای عالی دستگاه قضا با اشاره به وضعیت بازار ارز، دستور داد موضوع نوسانات اخیر در جلسه فوق‌العاده شورای هماهنگی دستگاه‌های نظارتی مطرح شود و بر استفاده از دیدگاه‌های اقتصاددانان و مسئولان بانک مرکزی تأکید کرد. رئیس دستگاه قضا در آن جلسه تأکید کرد که قیمت ارز، با ارزش پول ملی مر تبط است و حتی ممکن است خدمات و کالاهای که اساساً مستقیم به قیمت ارز مرتبط نیستند، به سبب نوسانات قیمت ارز، دچار تغییر قیمت شوند.

تأکید او بر استفاده از نظرات اقتصاددانان و مسئولان بانک مرکزی، در کنار تصریح بر مسئولیت مستقیم بانک مرکزی، پیام‌روشنی داشت: این بار، نمی‌شود همه چیز را به تحریم و دشمن‌خارجی حواله‌داد.

رئیس قوه قضاییه دوباره به تنه‌ای فاصله یک هفته‌روز گذشته نیز هشدار داد که «سه‌ساله‌ارز و نوسانات ارزی را رها نکنید و اِیتر نگذارید»؛ یعنی بار دیگر همان موضوع را تکرار کرد و باجانی هشدار آمیز تر، تکرار یک هشدار در چنین فاصله کوتاهی، در ادبیات سیاست‌ایران اتفاقی نادر است و نشان می‌دهد که مساله از نگاه بالاترین مقام قضایی کشور، نه یک نوسان مقطعی بلکه بحران در حال تعمیق است. اما همین ورود دوباره قوه قضاییه، خود پرسش‌های تازه‌ای را پیش می‌کشد. چرا در شرایطی که دلار به‌صورت روزانه رکورد می‌شکند، این قوه قضاییه است که باید هشدار بدهد؟ نقش دولت، مجلس و نهادهای اقتصادی کجاست؟ آیا ورود قوه قضاییه نشانه عزم برای برخورد است یا علامت خلأ سیاست‌گذاری در دیگر بخش‌های حاکمیت؟

مجلسی که دیروز فدایمی‌زد، امروز سکوت کرده‌است
تناقض بزرگ در دست‌همین جاست، همان

مجلسی که پیش‌تر با کوچک‌ترین نوسان

ارزی، وزیر اقتصاد را به‌صحن کشاند و با ادبیات تند او را عامل گرانی دلار معرفی کرد، امروز در برابر جهش‌های بی‌سابقه نرخ ارز و عبور دلار از مرزهای تاریخی، ترجیح داده فقط سکوت کند؛ سکوتی که نه‌از سرب‌ی خبری، بلکه محصول هم‌سویی سیاسی و ملاحظه‌کاری جناحی است.

در چنین فضایی، نظرات پارلمانی نه بر اساس قانون و مسئولیت‌نهادی، بلکه بر مبنای نسبت‌های سیاسی و خط‌کشی‌های درون‌قدرت تعریف می‌شود و نتیجه آن تعلیق پاسخگویی و تداوم سقوط ارزش پول ملی است؛ وضعیتی که هزینه‌اش را نه سیاستمداران بلکه جامعه‌می‌پردازد.

بگیر و ببندهای ارزی: نمایش اقتدار یا اعتراض فربه‌یی برنامگی؟

از سسوی دیگر نباید فراموش کرد که در سال‌های اخیر بر خوردهای قضایی و انتظامی او را «عامل گرانی دلار» معرفی کرده‌امروز در برابر دلار ۱۳۰ هزار تومانی، سکوت کرده‌است. استیضاح عبدالناصر همتی، با ادبیاتی تند و به نام دفاع از معیشت مردم انجام‌شد. چنان‌که امیرحسین ثانی، نماینده نزدیک به جبهه پایداری که آن روزها یکی از چهره‌های اصلی این استیضاح بود، در صحن علنی گفت اگر دولت اراده اصلاح دارد، باید همتی را کنار بگذارد. او حتی قسوم کرده که هدفش کمک به دولت‌وبیرون کشیدن «عامل گرانی ارز» است، اما روزها، همه چیز ساده‌سازی شد. گویی یک نفر، یک‌وزارتخانه و یک‌نام، مسئول تمام مشکلات ارزی کشور است. استیضاح انجام شد، همتی رفت و مجلس بااین تصور که یک پیروزی بزرگ به‌دست آورده، صحن را ترک کرد اما بازار ارز روایت دیگری نوشت.

امروز دیگر همتی وزیر اقتصاد نیست اما دلار، نه تنها پایین نیامده بلکه با شتاب بیشتری بالا رفته‌است. اگر همتی عامل گرانی دلار بود، چرا بارفتنش وضعیت بدتر شد؟ اگر مشکل در وزارت اقتصاد بود، چرا حالا که طبق قانون، مسئول مستقیم ثبات بازار را بانک مرکزی است، مجلس حتی یک کارت زرد هم نشان نمی‌دهد؟

این سکوت بیش از هر چیز، رنگ سیاست دارد. استیضاح همتی، بیش از آن که یک اقدام اقتصادی باشد، قربانی کردن یک چهره در میدان رقابت‌های سیاسی بود. دلار، بهانه‌ای شد برای تسویه حساب جناحی؛ و وقتی آن تسویه حساب انجام شد، مساله دلار دیگر جذابیتی برای پیگیری نداشت. از سوی دیگر باید توجه داشت با وجود آن که طبق قانون، مسول مستقیم ثبات بازار ارز و مهار تورم، بانک مرکزی معرفی شده، عدم احضار رئیس کل این نهاد به مجلس، بیش از آن که ریشه اقتصادی داشته باشد، یک بیان‌شاه‌ان آشکار از قبیله‌گرایی سیاسی در ساختار قدرت است.

مجلسی که دیروز فدایمی‌زد، امروز سکوت کرده‌است
تناقض بزرگ در دست‌همین جاست، همان

شماره ۲۰۷۵ / سه‌شنبه ۲۵ آذر ۱۴۰۴ / ۲۵ جمادی‌الثانی ۱۴۴۷ / ۱۶ دسامبر ۲۰۲۵

یک محدودیت خارجی نیست، بلکه به عامل دائمی شکل دهنده انتظارات در بازار را تبدیل شده‌است.

بازار ارز بیش از آن که عدد و آمار و اکش نشان دهد، به «سینگال» حساس است و مهم‌ترین سینگنال منفی، قطع چشم‌انداز تعامل با جهان است.

هر بار که نشانه‌ای از بین‌بست دیپلماتیک، توقف مذاکره یا تشدید تنش‌های منطقه‌ای مخابره می‌شود، بازار این پیام را دریافت می‌کند که دسترسی ایران به منابع ارزی محدودتر خواهد شد و افق ورود ارز تیره‌تر می‌شود. در چنین شرایطی، دلار صرفاً گران نمی‌شود بلکه دارای امنی برای حفظ ارزش تبدیل می‌شود و همین تغییر کارکرد، موتور اصلی جهش‌های قیمتی است.

مساله اینجاست که تحریم تنها زمانی به بحران ارزی تبدیل می‌شود که سیاست خارجی در وضعیت تعلیق و بی‌تصمیمی قرار گیرد. نبود مذاکره فعال، فقدان کانال‌های پایدار ارتباط مالی و ناتوانی در ارسال حتی یک سینگنال حداقلی از کاهش تنش، بازار را در وضعیت انتظار منفی نگه می‌دارد این انتظار از جنس ترس است؛ ترسی که به احتکار ارز، تعویق بازگشت ارز صادراتی و فرار سرمایه دامن می‌زند.

وقتی سیاست خارجی در زمین بلا تکلفی بازی می‌کند، سیاست ارزی عملاً خلع سلاح می‌شود و بانک مرکزی، حتی اگر بخواهد، ابزار مؤثری برای مدیریت بازار در اختیار ندارد. نتیجه، همان چیزی است که امروز دیده می‌شود: دلداری که نه فقط محصول کمبود ارز، بلکه بر آینه‌د قطع ارتباط ایران با جهان و قفل شدن افق مذاکره است.

پایان یک توهم، آغاز یک مسئولیت
امروز، پرسش‌ها روشن‌تر از همیشه‌اند.

اگر همتی قربانی دلار شد، چرا بارفتنش دلار ارزان‌نشد؟ اگر بانک مرکزی مسئول است، چرا مجلس رئیس آن را به صحن نمی‌کشد؟ اگر مشکل، تحریم و دشمن‌خارجی است، چرا در اسفند ۱۴۰۳ همین نشان‌دهنده پذیرفته‌شدن و اگر بگیر و ببند را بود، چرا نتیجه‌ای نداد؟ این پرسش‌ها نیز نه اقتصادی که سیاسی‌اند؛ یا نشان‌دهنده بی‌آن‌ها، هر‌بنه‌ای دارد که هر روز، مردم آن را با کوچک‌تر شدن سفرشان می‌پردازند.

اکتون دیگر سال‌هاست دولت‌ها با شعار کنترل بازار ارز می‌ایند و با ریا لی کم‌ارزش‌تر می‌یوند. تحریم و کاهش درآمد ارزی، بخشی از واقعیت‌است؛ اما همه واقعیت نیست. آنچه غایب است، مستحضر رئیس دولت، نشانه‌ای سیاسی است و تازمانی که دلار ابزار رقابت جناحی باشد و نه مسئله‌ای ملی، این چرخه ادامه خواهد داشت.

دلار ۱۳۰ هزار تومانی، فقط یک عدد نیست. نشانه پایانی یک توهم است؛ توهمی که می‌توان با سکوت، با مقصر سازی مقطعی و با برخورد های نمایشی، اقتصاد را مدیریت کرد. حالا مسئولیت از همیشه سنگین‌تر است و اگر سیاستمداران را به نام ترجیح بدهند فراموش کنند، بازار ارز با تمام تیرا خواهد کرد؛ با عددی بزرگ‌تر و با هزینه‌ای سنگین‌تر برای جامعه.

تورریست‌ها یک عید غیر نظامی اعم از کودکان و زنان را کشتار کنند.

استفاده از واژه «هلاکت» برای کشته‌شدگان سیدنی توسط این رسانه‌ها، با عقیده‌ای کاملاً معلوم، نه تنها غیر انسانی و ضد حقوق بشری است، بلکه منافع ملی ۹۰ میلیون ایرانی را بهت افزایش احتمال جنگ دوباره شدیداً به مخاطره می‌اندازد. متأسفانه از زمان احمدی‌نژاد به این سو، شعارهای مر به‌موا حساس‌رائیل به‌رویکرد حاکمیتی در ایران تبدیل شده‌است. جالب است که همان احمدی‌نژاد منکر هولوکاست، امروز گویا بر خلاف این ارزش‌ها فکر می‌کند، البته بعداً؛ آنکه با طرح چنین تفراتی عملاً به غریبه‌ها کمک کرد تا ۶۰ قطعه‌نامه تحریمی علیه ایران در شورای امنیت تصویب کنند که مبنای مکانیسم ماشه قرار گرفت. به‌نظر من عادی‌سازی چنین اقدامات تبعیضی در برخی از رسانه‌های ایران با شیبه‌سازی‌ا با هابا وقایع غزه، در راستای منافع ملی نیست؛ این گونه اقدامات نزد رسانه‌های غربی و افکار عمومی جهان به‌عنوان پهلودی سستیزی ایران قلمداد خواهد شد. تنش‌ها برای ایران و اسرائیل به مراتب افزایش می‌دهد و خطر وقوع جنگ دیگری را پررنگ‌تر می‌سازد که باید به شدت از چنین رویکردی اجتناب کرد.

همدستی ترامپ و پوتین در سند راهبر دامنیت ملی آمریکا
در آخرین پرشش، به انتشار سند راهبر دامنیت ملی آمریکا بپردازیم که نه تنها اروپا به عنوان متحد سنتی ایالات متحده، که تمامی متحدان واشنگتن را شوک کرد.
ترامپ دقیقاً با انتشار چنین سندی چه پیامی را صادر می‌کند؟

همان‌طور که به درستی مطرح کردید، انتشار سند راهبردی توسط ترامپ، علاوه بر اروپا و بریتانیا به‌عنوان شررکای سنتی واشنگتن بلکه متحدان دور ایالات متحده در آسیای شرقی را در بهت فروبرد و بیشترین نگرانی را برای او کران فراهم ساخت؛ چرا که نگاه کاملاً سفید در جنگ او کران نگاهی جانبدارانه به‌نفر روسیه و ولادیمیر پوتین است. در حقیقت، همین سیاست یک‌ساله اخیر ترامپ در حوزه سیاست خارجی در این‌سند منتشر شد که دارای نقائص بسیاری است.

مثلاً در حوزه به‌تفات خارج، در حالی که خاورمیانه اهمیت سابق را برای واشنگتن ندارد و همچنان اسرائیل متحد راهبردی آمریکا است و ایران مسبب بی‌ثباتی در منطقه دانسته می‌شود. همزمان، با اروپا خواسته می‌شود که خودش بدون اتکا به ایالات متحده امنیتش را تأمین کند؛ در حالی که همه‌می‌دانیم، روسیه هرگز دوست آمریکا نبوده و نیست. دموکرات‌ها و جمهوری‌های ایران می‌توانند فراموش کنند که اتحاد جماهیر شوروی به‌عنوان ابرقدرت شرقی، رقیب آمریکا نبود و حالا پوتین می‌خواهد همان دوران را احیا کند؛ این تناقضات آشکار این سند است که باعث شد صدر اعظم آلمان در اظهار نظری بی‌سابقه اعلام کند که واشنگتن پس از انتشار این سند دیگر مدعی مسئولیت اروپا محسوب نمی‌شود. این سند، حکایت از یک چرخش اولویت‌ها در غیر این پیش‌بینی در سیاست خارجی آمریکادارد. سیاستی که منافع پوتین را در منافع متحدان واشنگتن ترجیح می‌دهد. برخی از بندهای طرح ۲۵ ماده‌ای ترامپ برای صلح او کران، با اینکه تعدیل هم‌شده به‌ویژه در خصوص الحاق سرزمینی او کران به روسیه حتی مواضعی که در اختیار کی‌اف‌آر دارد، به‌نظر من دست‌نویسی روسیه است و حتی افکار روسی دارد.